

الدرس السادس : « تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمَضَارِعِ »

*** حروف جازمه: حروفی هستند که بر سر فعل مضارع می آیند و تغییراتی در ترجمه آنها و همچنین در آخر فعلها ایجاد می کنند.

حروف جازمه عبارتند از: « لَمْ _ لا(نهی) - لَ(امر) » این حروف چنانچه بر سر فعل مضارع بیایند تغییراتی در آخر فعل مضارع ایجاد می کنند عبارتند از:

۱) صیغه هایی که به حرکت « ضمه ُ » ختم می شوند ، « ساکن ْ » می شوند. (صیغه های ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴)

مثال: لَمْ + يَكْتُبُ / لَمْ يَكْتُبْ / لَمْ تَكْتُبْ / لَمْ أَكْتُبْ / لَمْ نَكْتُبْ

۲) صیغه هایی که به حرف « ن » ختم می شوند (صیغه های: ۲ و ۳ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱) « نون آخرشان » حذف می شود (به جز دو صیغه جمع مونث ۱۲ و ۱۳) که هیچ تغییری در ظاهرشان ایجاد نمی شود. **مثال:**

لَمْ + يَكْتُبَانِ / لَمْ يَكْتُبَا / لَمْ تَكْتُبَا / لَمْ تَكْتُبِي . (لَمْ + يَكْتُبِينَ / لَمْ يَكْتُبِينَ / لَمْ تَكْتُبِينَ « ۱۲ و ۱۳ »)

۱) نکات مربوط به حرف «لَم» [حرف جازمه]

۱- حرف «لَم» معنای فعل مضارع را به «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» تبدیل می کند.

مثال: لَم یکتبوا / ننوشتند / ننوشته اند لَم تکتبی: ننوشتی / ننوشته ای

۲- حرف «لَم» را با حرف «لِمَ» (مخفف «لِمَاذا» برای چه؟) اشتباه نکنیم. با این توضیح که «لِمَ» هیچ تغییری در آخر فعل به وجود نمی آورد. مثال: لَم تذهبْ إلى البيت: باعث تغییراتی در فعل شده اشت. ترجمه: نرفتی / نرفته ای به خانه

لِمَ تذهبْ إلى البيت: آخر فعل بدون تغییر است. ترجمه: چرا می روی به خانه؟

۲) نکات مربوط به «حرف لا نهی»: [حرف جازمه]

- حرف لا نهی (بر ۱۴ صیغه فعل مضارع میآیند با این تفاوت که:

الف) هرگاه بر سر «صیغه های مخاطب» بیایند، فعل به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می شود. **مثال:**

لا تجلسوا: ننشینید / لاتجلسی: ننشین

ب) هرگاه بر صیغه های «غایب و متکلم» بیاید، فعل به صورت «نباید + مضارع التزامی» ترجمه می شود. **مثال:**

لا یذهبوا: نباید بروند / لا تذهبْ: نباید برویم.

تفاوت لا نهی (با لا نفی) :

۱) «لا نفی»: بر سر فعل مضارع می آید فقط معنای فعل را منفی می کند و هیچ تغییری در آخر فعل ایجاد نمی کند. (لا نفی غیرعامل است)

مثال: هُم لایکتبونَ واجباتهم: آنها تکالیفشان را نمی نویسند. (تاثیر در معنا فقط)

۲) «لا نهی»: بر سر فعل مضارع می آید علاوه بر اینکه معنای فعل را عوض می کند ظاهر فعل را هم تغییر می دهد. (لا نهی عامل است).

مثال: لاتخرجوا من الصفّ: از کلاس خارج نشوید (تاثیر در لفظ و معنا)

- لازم به ذکر است منظور از عامل این است که در اعراب کلمه بعد از خود تاثیر می گذارند. در آخر فعل تغییراتی ایجاد می کنند. **مثال** حروف جازمه و ناصبه و حروف جار و
.....

۳- نکات مربوط به حرف « لـ » امر [حرف جازمه]

۱- این حرف بر سر (صیغه های غایب و متکلم) می آید.

۲- معنای فعل مضارع رابه « باید + مضارع التزامی » تبدیل می کنند. مثال:

-لَيَعْلَمُ كُلُّ إِنْسَانٍ ... : هر انسانی باید بداند -لَتَدْرُسَ جَمِيعًا: باید همگی درس بخوانیم.

راههای تشخیص « لـ ناصبه » از « لـ جازمه »

۱) از طریق ترجمه فعل: « لـ ناصبه » به صورت « تا - تا اینکه - برای اینکه + مضارع التزامی » ترجمه می شود.

ولی « لـ جازمه » به صورت « باید + مضارع التزامی » ترجمه می شود.

۲) « لـ ناصبه » بر سر « ۱۴ صیغه مضارع می آید، ولی « لـ جازمه » بر سر صیغه های غایب و متکلم « می آید.

۳) « لـ ناصبه » غالباً داخل جمله میاید و وابسته فعل دیگری است (علت وقوع فعل دیگری می باشد)

ولی « لـ جازمه » غالباً شروع کننده جمله و به فعل دیگری وابسته نیست (علت وقوع فعل دیگری نمی باشد)

-بُعِثَ النَّبِيُّ لِيَهْدِيَ النَّاسَ: پیامبر مبعوث شد تا مردم را هدایت کند. -لِنَسْتَمِعْ إِلَى الْكَلَامِ الْحَقِّ: باید به سخن حق گوش فرا دهیم.

نکته ۱: اگر حروفی مانند « و - ف - ثَمَّ » قبل از « لـ جازمه » بیاید حرکت آن [لـ جازمه] ساکن می شود. مثال:

-فَ + لِيَنْظُرُوا فَلْيَنْظُرُوا: پس باید نگاه کنند فَ + لِيَعْمَلُ فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهد.

توجه- هرگاه حرف « لـ » پس از حروف « و ، ف ، ثَمَّ » بیاید از نوع جازمه و به معنی « باید » می باشد. مثال:

-« فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ »: پس باید پروردگار این خانه را عبادت کنند-

-« فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانَ مِمَّ خُلِقَ »: پس باید بنگرد انسان از چه چیزی آفریده شده است.

نکته ۲: اگر آخر فعلی ساکن بود و بعد از آن یک « اسم ال دار » آمده بود، حرکت « ساکن » از آخر فعل حذف شده و به

جای آن « کسره عارضی — » می گیرد مثال:

-فَلْيَكْتُبْ + الطَّالِبُ وَاجِبَاتِهِ فَلْيَكْتُبِ الطَّالِبُ وَاجِبَاتِهِ. (کسره در فلیکتاب عارضی (موقتی) می باشد.

نکته ۳: اگر « حرف لـ » بر سر ضمایر متصل (ه - هُما - هُم - كَ - كُما - كُم - نَا) [به جز ضمیر « ی »] بیاید، حرف « لـ »

« به » تبدیل می شود. مثال: لَهْم - لَهْن - لَهَا لَك - لَكْن - لَكُم - لَك لَنَا

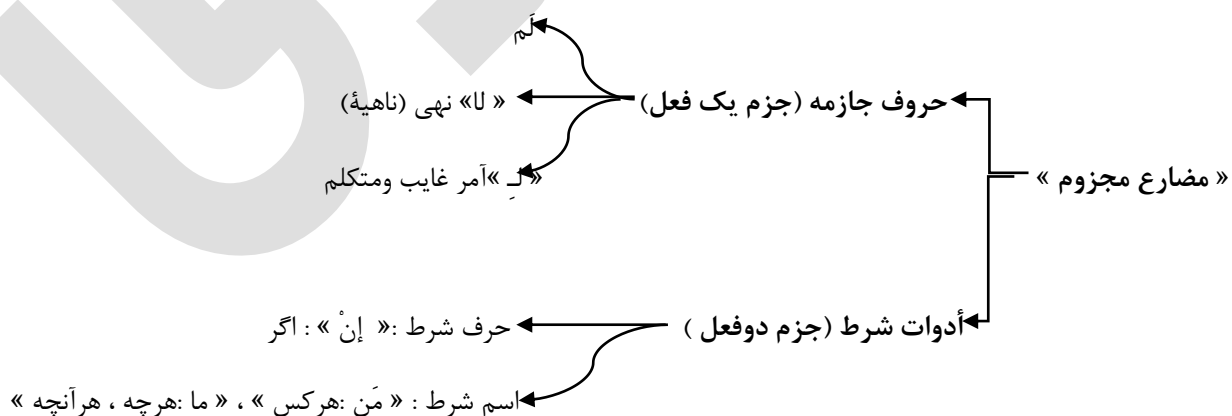
«معانی حرف «لِ»:»

- ۱- «حرف لِ» به معنای «مال، از آن» [حرف جرّ لِ + اسم] مثال: لِمَنْ هَذِهِ السَّيَّارَةُ: این ماشین مال کیست.
- ۲- «حرف لِ» به معنای «برای» [حرف جرّ لِ + اسم] مثال: اِشْتَرَيْتُ حَقِيْبَةً لِّلسَّفَرِ: چمدانی برای سفر خریدم.
- ۳- حرف «لِ» به معنای «داشتن» [حرف جرّ لِ + ضمیر یا اسم در ابتدای جمله] مثال: لَنَا مُعَلِّمٌ مَشْهُورٌ فِي مَدْرَسَتِنَا: معلمی مشهور در مدرسه مان داریم.
- ۴- حرف لِ» به معنای «تا - تا اینکه - برای اینکه + مضارع التزامی» [حرف ناصبه «لِ» + فعل مضارع منصوب] ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ لِأَشْتَرِيَ بَطَّارِيَةَ الْجَوَّالِ: به بازار رفتم تا باتری تلفن همراه بخرم.
- ۵- «حرف لِ» به معنای «باید + مضارع التزامی» [حرف جازمه «لِ» + فعل مضارع مجزوم] لِنَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ: باید به خدا توکل کنیم.

نکته: در زبان عربی برای بیان اجبار و الزام (باید) به انجام کار از راهکارهای زیر استفاده می کنیم:

- (۱) «حرف جرّ علی» در ابتدای جمله: عَلَيْنَا بِالصَّبْرِ فِي الشَّدَائِدِ: باید در سختی ها صبر کنیم.
- (۲) «فعل يَجِبُ» + عَلِي: يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَجْتَهِدَ فِي أَعْمَالِنَا: باید (واجب است) در کارهایمان تلاش کنیم.
- (۳) «حرف لِ امر» (جازمه) + فعل مضارع: لِأَجْتَهِدُ فِي أُمُورِي: باید در کارهایم تلاش کنم.

«مضارع مجزوم» — «حروف جازمه - ادات شرط»



تست:

۱- عین « لا » یمكن أن يكون للنهي :

- (۱) لا تحاولن إلا لتهديب أنفسكن وتقدم أولادكن !
 (۳) هو لا يكون كالذين يتكلمون دون وقتٍ وهدفٍ !

(۲) لا تظهر رأيك ما دمت لست مطمئناً به !

(۴) یا بنتی ، لماذا لا تسعين في سبيل تربية ولدك الأخلاقية !

۲- عین « لا » جازمة :

- (۱) ليعتمد المؤمن على نفسه ولا يعتمد الآخرين !
 (۳) أرسل الله الأنبياء لتؤمنوا به وبرسوله !

(۲) أسافر إلى ذلك البلد لأفتش عن موضوع مهم !

(۴) جئنا إليكم لتقديم هداياكم في المسابقة !

۳- عین « لا » ناصبة :

(۱) المسلمات ليواجهن حقائق الحياة المرة بالتفاؤل !

(۲) نحن نتناول الرمان لتكوين الكريات الحمراء في بدننا !

(۳) یا بناتی ؛ كمن الفائزات في المسابقة لتفهمن سر نجاحهن !

(۴) إن الامتحانات تساعد الطلاب لتعلم دروسهم فليعلموا ذلك !

۴- عین الصحيح عن ترجمة الأفعال :

(۱) لم يعلموا : نمی دانند

(۲) فليتكول : پس باید توکل کنند.

(۳) ليتكلموا : باید صحبت کنید .

(۴) لاتياس : نا امید نمی شوی .

۵- عین « لا » ناهية :

(۱) من لا يقصر مناه في الدنيا لا يفز !

(۲) إن لا تصبر على مرارة الدنيا لا تفلح !

(۳) لا يحاول الإنسان العاقل إلا لرضى الله !

(۴) قال صديقي لي : لا تعتمد على غيرك في الحياة !

۶- عین ما ليس فيه مضارع مجزوم :

(۱) إني لم أعود على الفشل في حياتي !

(۲) لتحصل على مكانة رفيعة في المجتمع يجب أن تكون صابراً !

(۳) انعتبر بتجارب الآخرين في حياتنا !

(۴) لاتقنطوا من رحمة الله فإنه غفور رحيم !

پاسخ تشریحی :

۱- «گزینه ۱» صورت سوال گزینه ای را می خواهد که نهی باشد منظور این است (فعل نهی را پیدا کن) در گزینه ۱ « لا تحاولن » به جهت اینکه صیغه جمع مونث است و هیگاه تغییر نمی کند باید از سیاق متن متوجه شویم فعل نهی است یا نه. ترجمه: تلاش نکنید مگر برای پاک کردن خودتان و پیشرفت فرزندان. و با توجه به ترجمه و وجود ضمیر «کن» فعل مذکور نهی است. بررسی سایر گزینه ها: گزینه ۲ و ۳ اگر به آخر فعلهای « لا تظهر » ، « لا یكون » دقت کنید می بینید که تغییری ندارند پس فعل نفی هستند (آشکار نمی کنی - نمی باشد). / گزینه ۴ از « لماذا » میتوان فهمید که « لاتسعين » فعل نفی است ، ضمن اینکه حرف « ن » از پائانش حذف نشده است نهی این فعل می شود « لاتسعی » . ای دخترکم چرا در راه تربیت اخلاقی پسرت تلاش نمی کنی ؟

۲- «گزینه ۱» منظور «لا» جازمه همان «لا» نهی می باشد. در گزینه ۱ «لِ» اول جمله بر سر فعل مضارع آمده و با توجه به معنا «لا» از نوع جازمه است. ترجمه باید انسان به خودش اعتماد کند و نباید به دیگران اعتماد کند. / بررسی گزینه ها: در گزینه ۲ «لِ» وسط جمله آمده و علت وقوع فعل را بیان می کند و معنی «تا، تا اینکه» می دهد. ترجمه: به آن کشور سفر می کنم تا موضوع مهمی را جستجو کنم. / گزینه ۳ «لِ» وسط جمله آمده و علت وقوع فعل را بیان می کند و معنی «تا، تا اینکه» می دهد. / گزینه ۴ «تقدیم» اسم است پس لِ حرف جرّ است (لتقدیم: جار و مجرور)

۳- «گزینه ۳» «لِتَفْهَمَنَّ» چون در وسط جمله آمده و بعد از فعل دیگری «كَلِمَنَ» آمده و علت وقوع فعل را بیان می کند لام تعلیل یا ناصبه استبه معنی «تا، تا اینکه، برای اینکه» بررسی سایر گزینه ها: گزینه ۱ - چون فعل «لِيُوجِهَنَّ» خبر است برای المسلمات پس «لِ» امر و به معنای «باید» می باشد. / گزینه ۲ - «تكوین» مصدر است و مصادر اسم اند بنابراین «لِ» حرف جرّ است. / گزینه ۴ - «تعلّم» مصدر است و مصادر اسم اند پس «لِ» حرف جرّ است. فليعلموا: لامی که بعد از «و یا ف و با ثم» بیاید جازمه (امر) است و معنای باید می دهد. فليعلموا: باید بدانند.

۴- «گزینه ۲» چون «لِ» بعد از «فَ» آمده حتما معنای باید می دهد و امر است. بررسی سایر گزینه ها: گزینه ۱ - لَمْ يَعْلَمُوا: ماضی منفی و ماضی نقلی منفی: ندانستند، ندانسته اند. / گزینه ۳ - لَتَتَكَلَّمُوا: چون لام بر صیغه مخاطب آمده است نمی تواند معنای «باید» داشته باشد بلکه «تا، تا اینکه» معنی می شود. لَتَتَكَلَّمُوا: تا صحبت کنید. / گزینه ۴ - «لاتیأس» لا از نوع نهی است زیرا آخر فعل ساکن است. پس «نا امید شو» صحیح است.

۵- «گزینه ۴» «لاتعتمد» لا از نوع نهی است زیرا آخر فعل ساکن است لاتعتمد: اعتماد نکن. ولی «لا» در سایر گزینه ها «لا یقصر، لاتصبر، ولایحاول» از نوع لای نفی هستند. ضمناً در گزینه های (۱ و ۲) فعل های «يُقَصِّرُ، تَصْبِرُ، تُفْلِحُ» به ترتیب به خاطر ادات شرط «مَنْ و اِنْ» آخرش ساکن شده است نه به خاطر حرف «لا» قبل از خود.

۶- «گزینه ۲» در این گزینه با توجه معنای عبارت «لِ» در «لتحصل» از ادوات ناصبه است نه جازمه و معنای «تا، برای اینکه» می دهد (برای اینکه منزلت والایی در جامعه بدست آوری، باید شکیبیا باشی) بررسی سایر گزینه ها: گزینه ۱ - لَمْ از ادوات جازمه است «لم أعود» / گزینه ۳ - با توجه به معنای عبارت «لِ» در «لنعتبر» از ادوات جازمه (لام امر) است. و معنای «باید» دارد. (باید در زندگیمان از تجربه های دیگران عبرت بگیریم). / گزینه ۴ - با توجه به حذف «ن» از آخر فعل مضارع متوجه می شویم که «لا» در «لاتقنطوا» ناهیه و از ادوات جازمه است.